



پنج پوشیده یا

خسمة محتجبه

(۲)

در «مطرح الانظار» آمده است: «... واما عدة کثیری از حکما منکر این علم هستند و تبدلات اجسام را که در ظاهر صورت در دست اهل این صنعت در حس بصر ملحوظ میشود تمام را از قبیل تشبیهات حسیه و تبدلات صوریه میدانند و گویند از اصل، ماهیت آنها تغییری حادث نگشته و آنچه در نظر ما مشهود میشود از قبیل کیفیات مستعاره میباشد. چنانچه شیخ الرئيس ابوعلی سینادر طبیعیات «شفا» در باب تکون معدنیات گوید: «واما ما یدعیه اصحاب الکیما فیجب ان یعلم انه لیس فی ایدیه ان یقلبوا الانواع حقیقیا لکن فی ایدیه تشبیهات حسیه حتی یصفوا الاحمر صبغاً ایض شدید الشبه و یصفوه صبغاً اصفر شدید الشبه بالذهب و یصفوه الایض ای صبیغ شاذ و حتی یشد شبه بالذهب ان یسلبوا الرصاصات اکثر ما فیها من النقص و المیوب الان جواهرها تلك تكون محفوظة و انما یقلب علیها کیفیات مستعاره بحيث یغلط فی امرها» و نیز عبداللطیف طیب بغدادی که از فلاسفة بزرگ مسلمین و از حکمای نامبردار قرن ششم هجری است در بدو امر خود بکیما معتقد و

• آقای عبدالصمد امیر شقاقی از پژوهندگان معاصر (تبریز).

مباشرت عمل آن می نمود پس از مدتی بیطلان آن پی برده و در رد آن رسایل متعدده نگاشت که از جمله آنها (کتاب المحاکمه بین الحکیم و الکیماوی) است و شیخ ققی الدین احمد و یعقوب الحکیم الکندی نیز در رد کیمیا کتاب دارند و از حکمای دیگر هم در ابطال آن کتبی چند نوشته اند که تعداد آنها باعث تطویل است. گویند ابوبکر محمد بن ذکریای دازی که از مثبتین این فن است کتابی در این عام تألیف کرد و بر پیشگاه منصور سامانی که سلطان آن عصر بود تقدیم نمود و منصور بعد از استدلال زیاد امر کرد تألیف او را چندان بر سر او زدند که جلد و اوراق آن از هم پاشیده شد و این صدمه سبب نزول آب مروارید بچشمهای او گردید. بالجمله باجماع حکمای حالیه فرنگ، تبدیل فلزی به فلز دیگر محال و قلب ماهیت ممتنع و حکمای قدیم که عناصر را منحصر بچهار کرده بودند بالفعل مردود و الی الآن قریب هفتاد عنصر پیدا کرده اند و گویند هیچیک از این عناصر تجزیه پذیر نبوده و نیز به مدیگر تبدیل نمی گردند و عناصر چهارگانه قدما را که در قدیم جسم بسیط می پنداشند حکمای حالیه تجزیه نموده و عدم بساطت آنها را ثابت کرده اند. چنانکه لاوازیه^۲ که از حکمای سده دوازدهم هجری است ثابت نمود که هوا مخلوطی است از دو جسم بخاری متمایز و متفاوت و بهیچوجه جزو بساطت نمی باشد و چندی بعد عدم بساطت آنرا نیز بثبوت رسانیدند و معین کردند که آب خالص مرکب از دو جسم بخاری است مسمی به «اکسیژن» و «هیدروژن» و از ترکیب این دو بخار آب بعمل می آید پس آب نیز عنصر مفرد نمی باشد و از کشف این دو مطلب بزرگ برای دانشمندان طبیعی راه تحقیق باز گردید و عقیده عناصر اربعه که مسلم متقدمین بود متروک گشت.

مؤلف «علم کیمیای عسکری» نیز از منکران حقیقت و وجود «کیمیا» است، بطوریکه در مقدمه کتابش می نویسد: «معادن خسیسه را نمیتوان بمعادن عالیه یعنی طلا و زر تحویل کرد و یک معدن خسیس را تبدیل بزر کردن بصورت ترکیب یا بشکل و صورت دیگر از روی قواعد فنی محال و غیر ممکن است.»

محمد فرید وجدی هم در مجلد هشتم از «دائرة المعارف القرون الرابع عشر - العشرین» در صفحه ۲۵۳ پس از آنکه علم شیمی را تعریف میکند در ذیل عنوان: (الکیمیا عند المسلمین) در مورد ابطال کیمیای ذهبی می نویسد: «... ولا شك فی ان کیمای العرب هم الذی وضعوا اساس الکیمیا العصریه بما اکتشفوا فیها من الاجسام و المركبات و ما احدثوه فی اسالیبها من التحسین... و کتب امثالهم فی ابطال کیمیا الذهب و الحکم بانها من مولدات الخیال و اول من الف فی ذلك الفیلسوف یعقوب الکندی^۳ فی اواسط القرن الثالث للهجره...» که مفصل است.

بیشتر از این بحث کردن در این موضوع باعث ملال خاطر خوانندگان عزیز می شود همین قدر باید بدانیم که اکثر دانشمندان قدیم و همه علمای جدید کیمیای ذهبی را باطل دانسته اند. ضمناً بخاطر باید سپرد که از کسانی که پس از آموختن علم کیمیا اکسیر را پیدا کرده و از آن بهره مند شده و بآرزوی خود رسیده اند یکی هم مؤبدالدین طفرانی صاحب قصیده معروف «لامیه المعجم»

است که مؤلف «موضات العلوم» می‌نویسد: «واصل به اکسیر شده و قلبش قانع و سیر گردیده است.»

۲- سیمیا

علم سیمیا - «بکسر سین و میم» بنا بنوشته «کشف اسرار قاسمی» علم خیالات است و آن علمی است که با آن تصرف در خیالات میکنند و نتیجه‌اش احداث امثال خیالیه است که آنها را در خارج وجودی نیست و در این علم مؤلفات حکمای قدیم بسیار است چون «نوامیس افلاطون» و «مختصر جالینوس»^۴ و خلاصه کتب «بلیناس»^۵ در موضوعات العلوم آمده است: «علم السیمیا» گاهی مراد از آن سحر غیر حقیقی است و مشهور نیز چنین است که گفته شد. و لفظ «سیمیا» معرب از عبرانی است و در اصل «سیم یه» می‌باشد یعنی نام خدا مقالات «سبع عشره» حلاج بر سیل رمز در علم سیمیا است و از شیخ ابوعلی سینا هم در این علم کارهای غریبی نقل شده. عین نوشته علامه دهخدا نیز در «لغت‌نامه» همین است که در ذیل با ذکر مآخذ ثبت این اوراق میشود.

«علم طلسم که از آن انتقال روح در بدن دیگری کنند و بهر شکل که خواهند در آید و چیزی موهوم در نظر آرند که در حقیقت وجود آنها نباشد» بعد می‌نویسد:

«علم باموریکه انسان متمکن شود بدان از اظهار آنچه مخالف عادت بود. مانع آنچه موافق آن باشد و قسمی در علوم سامیه است (نفائس الفنون) علمی است که بدان تسخیر جن می‌شود (بحر الجواهر) علم خواص و اسرار حروف. مدعیان و قوف بر این علم برای حروف طبایع (آتشی، آبی، خاککی) قائل بودند و چون اسماء مرکب از حروف است، همین طبایع و اسرار را در اسماء ساری میدانستند و مدعی بودند که بوسیله حروف و اسماء میتوان در عالم طبیعت تصرف کرد. از صاحب نظران در سیمیا یا علم حروف و اسماء ابن‌العربی و هونی^۶ را میتوان نام برد که نتیجه و ثمره سیمیا را تصرف کردن نفوس ربانی در عالم طبیعت میدانستند یاری اسماء الحسنی و کلمات الهی که از حروف ناشی میشود. (از: دائرة المعارف فارسی) در «فرهنگ نفیسی» تألیف: نانلم الاطباء می‌نویسد: سیمیا کنایه از فصاحت و بلاغت هم هست.»

۳- ریمیا

درباره علم ریمیا «بکسر را و میم» در «کشف اسرار قاسمی» یعنی «کشف الاسرار»^۷ که تلخیص و شرح «اسرار قاسمی» تألیف: حسین واعظ است نوشته: «علم ریمیا»، علم شعبده است و آن معرفت قوای ارضیه است و مزج آن یکدیگر تا از آن قوتی حادث گردد که از آن قوت فعلی مقترن بقربت صدور یابد و ضوابط این علم در «دسایل خسرو شاه سیاوی» مذکور است.

ویی تعلیم استاد ماهر و تلقین معلم کامل، وصول باین علم اقصی محال است.
«رباعی»

بیجرعه غم، کسی بجای نرسد
از گلشن حکمت و گلستان هنر
تا خون نشود، دلی بکامی نرسد
بویی که دهد، بهر مشامی نرسد

۴ - لیمیا

ایضاً در «کشف اسرار قاسمی» در تعریف علم لیمیا می نویسد: «علم لیمیا» «بکسر لام و میم» و آن عبارتست از علم بأموری که انسان متمکن شود بدان از آنچه مخالف عادت بود یا منع آنچه موافق باشد. و این علم عبارت از طلسمات است و آن علمی است که بدو دانسته شود کیفیت نیرنج قوای فاعله عالیّه بمنفعله سافله تا فعلی غریب از آن حادث گردد و در این علم تصانیف بیحد است چون «مصحف هرمس الپهرامسه»^۱ و «طلسمات طمطم هندی» و «دوالیس اسکندرانی» و «هیاکل و تماذیل» ابوبکر بن وحشیه^۲ و مانند آنها. دهخدا در لغت نامه می نویسد: «لیمیا» یکی از علوم خفیه است کیمیا و لیمیا و سیمیا. لیمیا ساز آنکه لیمیا سازد لیمیا سازی (اسم مصدر است). بمعنی عمل لیمیا ساز.

آن رسن کش به لیمیا سازی
من بیچاره در رسن بازی
(نظامی)

۵ - هیمیا

در «لغت نامه» نوشته است: هیمیا و هیماء عبارت از علم طلسم است که یکی از علوم خفیه می باشد. در «کشف اسرار قاسمی» می نویسد: «علم هیمیا» «بکسر ها و میم» - و این علم تسخیر کواکب سبعة سیاره است از حیث تصرف ایشان که فواعل علوی اند در قوایل سفلی و دعوات و خواتیم و بخورات ایشان و تسخیر روحانی و عزایم جنیان و معرفت اقداح و منادل و این علم نهایت علم شریف است. تا وقتی که او سناد کامل بهم نرسد مرتکب این اعمال نشود.

سخنی چند در باره طلسم

در «موضوعات العلوم» می نویسد: «معنای طلسم عقد لاینحل است یعنی بندیکه گشوده نشود، بعضی ها گفته اند «طلسم» مقلوب کلمه «مسلط» است علامه دهخدا نیز در «لغت نامه» می نویسد: «... و حاجی خلیفه ذیل عنوان «علم الطلسمات» آرد: طلسم بمعنی گره لاینحل است و برخی گفته اند این کلمه مقلوب است و اصل آن مسلط است زیرا طلسم از قهر و تسلط است... و این فن نسبت بسحر و جادو آسان تر در دسترس قرار میگیرد زیرا مبادی و اسباب آن معلوم است و فایده آن واضح

استدلی طریق تحصیل آن پر رنج می باشد. مجریطی^{۱۰} «بفتح میم و سکون جیم» قواعد این فن را در کتاب «غایة الحکما» بسط داده... و داود ضربرا نطاکی گوید: بر حسب نوشته برخی از مؤلفان علم طلسمات را اشمیدس اختراع کرده است... طلسم عبارت از تمزیج قوای فعالة سماوی بقوای منفعة ارضی است بوسیله خطوط مخصوصی که اهل این فن بکار می برند تا بدان هر مودی را دفع کنند چه بسا که این کلمه را بر خود خطوط اطلاق میکنند. آنچه در لغت نامه آمده عیناً در «دائرة المعارف» محمد فرید و جدی وجود دارد لازم بند کر است که در هر زمان، علی الخصوص در این عصر، که در نتیجه توسعه یافتن دامنه علوم و صنایع بشر توانسته است بکسره قدر سفر نماید آموختن این قبیل دانشها (علوم خفیه) بجز از اتلاف وقت و ضایع کردن عمر عزیز هیچ فائده بی ندارد مخصوصاً تعلیم و تعلم سحر و شعبده که از نظر دین اسلام هم جایز نبوده و حرام است. پس منظور از نوشتن این چند صفحه نه اینست که خوانندگان گرامی را وادار یابد گرفتن این علمها نماید بلکه مراد اینست چون علم هر چیز از جهل آن بهتر است خواست اطلاعاتی مختصر از این علوم قدیمه بدهد که در مواقع حاجت بآن رجوع شود.

کیمیا در شعر شاعران:

ایکه جویی کیمیای عشق، پر خون کن دو چشم	هست شرط کیمیا، گوگرد احمر داشتن (فا آری)
هنگام تنگدستی، در عیش کوش و مستی	کایسن کیمیای هستی، قارون کند گذار (حافظ)
گر کیمیای عشق طلب میکنی بنه	بر خاک راه، چهره زرین عاشتی (نثار گمرودی آذربایجان)
منوخ شد مروت و معدوم شد وفا	زین هر دو نام ماند، چون سیمرخ و کیمیا (مدالوای جلی)
قاآنی بیازی در قصیده بی که در مدح و ستایش «عبدالله خان صدر» سروده و مطلعش اینست:	اورنگ جم، بکوهه باد صبا ز نیم
خیزای غلام تا زین، بر باد پاز نیم	در پیش رونهاده، دم از کیمیا ز نیم
از کیمیا و سیمیا و لیمیا نام برده گوید:	چندین طلسم کرده: دم از سیمیا ز نیم
نه کیمیا گریم که تا کوره و دمی	سطری سه چارخوانده، دم از لیمیا ز نیم
نه سیمیا نگار، که با مشک و زعفران	هر دم هزار طعنه: بر آب بقا ز نیم
نه لیمیا طسراز کز اسرار قاسمی	
.. ما شاعریم و از سخن روح بخش خویش	

۱ - «مطرح الا نظار فی تراجم اطباء الامصار و فلاسفه الاعصار» تألیف دکتر میرزا عبدالعزیز
فیلسوف الدوله تهریزی.

۲ - Lavoisier آنتوان لوران لاووازیه- (۱۷۳۳ - ۱۷۹۴ - میلادی) از استادان شیمی فرانسه و از مبتکران شیمی جدید بود. شیمی را طبقه‌بندی نمود و فورمولهای شیمی را بوجود آورد، او را پدر شیمی جدید نام نهادند. طرز تسمیه عناصر مفرد و کشف ترکیبات هوا و اثبات لزوم دسوزن برای احتراق و برخی کشفیات دیگر منسوب باوست. در سال ۱۷۸۹م باپخش کتاب «اصول مقدماتی علم شیمی» انقلاب بزرگی در جهان شیمی بوجود آورد. در سال ۱۷۹۴ در انقلاب کبیر فرانسه محکوم باعدام و بوسیله گوتین گردن زده شد.

۳ - کندی «بکسر کاف» ابویوسف یعقوب بن اسحق الکنندی، از حکماء و اطباء معروف عرب در دوره خلفای عباسی، در کوفه متولد شده، در بصره و بغداد به تحصیل علم پرداخته و در علوم ادب و نجوم و حکمت تبحر یافته و به فیلسوف عرب معروف گردیده، بعضی از کتابهای یونانی را به عربی نقل کرده، در حدود سال ۲۶۱ هجری قمری وفات یافته است.

۴ - جالینوس - Galenus معرب گالینوس است که باو معدوله باشد. حکیم ودانشمند و فیلسوف طبیعی‌دان از مردم شهر فرغاموس یونان .

۵ - بلیناس «بفتح باو کسر لام» نام حکیمی یونانی در دربار اسکندر مقدونی که او را بلیناس جادو نیز گفته‌اند .

۶ - ابن العربی «بفتح عین و را» - محیی‌الدین عربی، شیخ ابوبکر محیی‌الدین بن العربی از دانشمندان عرب و از اجله عرفاء و مشایخ صوفیه، در سال ۵۶۰ قمری در شهر مرسیه اسپانیا متولد شد و در سال ۶۳۷ هـ. در دمشق وفات یافت. تألیفاتش را در حدود دوپست مجلد گفته‌اند.
۷ - مؤلف «کشف الاسرار» فخرالدین علی‌صافی فرزند ملاحسین واعظ کاشفی است (تخلصش صافی بوده).

۸ - هرمس الهرامسه «بضم‌ها و میم در کلمه اول و فتح‌ها کسر میم در کلمه دوم»، حضرت ادریس (ع) و او را هرمس مثلث هم گفته‌اند زیرا جامع نبوت و حکمت و سلطنت بوده، و هرامسه بمعنی دانشمندان ستاره‌شناس است.

۹ - بفتح واو و سکون‌ها ابوبکر احمد بن علی بن قیس المختار بن عبدالکریم بن جرثیم بن دنیا بن برطانیان بن عالطیا الکندانی الصوفی، از اهل قسین. و گویند که او ساحر و دانای بساختن طلسمات و نیز دارای صناعت کیمیا (زرسازی) بوده و معنی کسدانی نبطی (بفتح نون و با) است. و این وحشیه از اولاد سناخریب Sennacherib پادشاه آشوری (ز ۷۰۵ - ۶۸۱) است او را گفته‌اند که در سحر و طلسمات از جمله کتاب طرد الشیاطین معروف به اسرار. کتاب سحر الکبیر. کتاب سحر المغیر . کتاب اسرار الکواکب و ابن ندیم در جای دیگر از «الفهرست» گویند : او کتب بسیار از نبطی به عربی ترجمه کرده است... این وحشیه در نیمه دوم از قرن دوم میزیسته است. و برخی نام او را محمد گفته‌اند.

۱۰ - جریطی - مسلمه یا سلمه فرزند احمد جریطی یعنی مادریدی که در مادرید اسپانیا متولد شده است از دانشمندان معروف است که در علوم ریاضی و نجوم و طب دست داشته و تألیفاتی دارد.